



شیوه‌های برقراری ارتباط مؤثر با دانش‌آموزان و...

دوره نامه آموزش و پرورش
شماره ۳۴

احمد وزیری تبار*

پیدا می‌کنند، اما برای بعضی دیگر این کار بسیار مشکل است و برای جبران این مشکل به کمک مربیان خود نیاز بسیار دارند. اگر کودکی بدون دوست و هم‌بازی مانده است، نیاید این مشکل بزرگ زندگی او را بی‌اهمیت تلقی کرد.

انتخاب دوست یا هم‌بازی نامناسب نیز مشکل دیگری است که غالباً فکر مربیان، خاصه پدران و مادران را به خود مشغول می‌کند و آن‌ها را به چاره‌جویی برمی‌انگیزد. حتی گاهی پدران و مادران ترجیح می‌دهند کودکان بدون دوست و هم‌بازی بمانند

مقدمه

هر کودک به محلی برای بازی کردن، وسایل بازی، هم‌بازی، تشویق پدر و مادر و دوست و هم‌بازی نیاز دارد. بازی کردن برای کودک هم کار است و هم تفریح، و هم‌بازی و دوست بودن با کودکان دیگر، عامل مؤثری در یادگیری و جامعه‌پذیر شدن اوست. او از این راه آداب معاشرت و زندگی کردن در جامعه و با جمع بودن و برای جمع زیستن را یاد می‌گیرد. بعضی از کودکان به آسانی برای خود دوست و هم‌بازی

تا با کودکانی معاشر باشند که رفتاری نامناسب دارند. نقش پدر، مادر، معلم و به‌طور کلی مربی در کمک کردن به کودکان در انتخاب دوست و هم‌بازی و نظارت‌های اصولی و حساب شده در این موارد، آن‌قدر حائز اهمیت است که جا دارد به تفصیل درباره‌ی آن بحث کنیم و ببینیم. در این مقاله، به اختصار به پاره‌ای از این مسائل اشاره می‌کنیم؛ مسائلی که برخورد صحیح با آن‌ها می‌تواند به پیدایش «روابط انسانی» مؤثر میان بچه‌ها و دیگران بینجامد و در نهایت موجب رشد و کمال آن‌ها را فراهم سازد.

✱

دوست‌یابی کودک

کودکان به‌طور طبیعی از دو سه سالگی علاقه‌مند می‌شوند که بیشتر وقت خود را با کودکان دیگر بگذرانند. اما در این سنین، هم‌بازی و دوست شدن با کودکان دیگر، برای آن‌ها به آن معنی و مفهوم که بعضی از مریمان انتظار دارند نیست. کودکان دو سه ساله دوست دارند که در کنار کودکان دیگر بنشینند و ساعت‌ها هریک به استقلال، سرگرم بازی کردن با اسباب بازی‌های خود باشند. کودک در این مرحله از پهلوی کودک دیگری بودن لذت می‌برد، نه از هم‌بازی بودن با او. تماس‌ها و اختلاف‌هایی که در این سنین بین کودکان به‌وجود می‌آید، از قاپیدن اسباب بازی‌های یکدیگر، کشتی گرفتن و نزاع‌های زودگذر و حتی قهر کردن و اشک ریختن و به دامان بزرگ‌ترها پناه بردن تجاوز نمی‌کند.

تقریباً از سه چهار سالگی کودک به داشتن هم‌بازی و دوست بیشتر احساس احتیاج می‌کند. رفتار او دوستانه می‌شود. گاهی اسباب بازی‌های خود را به هم‌بازی‌هایش به عاریت می‌دهد و بازی کم‌کم برای او به صورت فعلیتی گروهی در می‌آید. به تدریج که کودک به سن مدرسه نزدیک‌تر می‌شود، تمایل و تجربه‌اش در انتخاب دوست و هم‌بازی نیز افزایش می‌یابد. بیشتر بچه‌ها در سنین قبل از مدرسه علاقه‌مندند که هم‌بازی‌ها و دوستان خود را از میان هم‌سالان خود، ولسی از جنس مخالف، انتخاب کنند. بازی‌های تخیلی را بیشتر می‌پسندند. دعواهایشان با یکدیگر جدی‌تر می‌شود و سازگاری‌شان با یکدیگر کمتر است. غالباً تمایل دارند که با بچه‌های غریبه بازی کنند و دوست شوند تا با کودکانی که در خانه‌ی آن‌ها زندگی می‌کنند. معمولاً عده‌ی دوستان و هم‌بازی‌های کودکان در سنین قبل از مدرسه محدودتر است.

کودک و مدرسه

کودکی که نخستین بار به مدرسه قدم گذاشته است، با موقعیت و محیط اجتماعی تازه‌ای مواجه می‌شود؛ زیرا عده‌ی بیشتری از کودکان هم‌سن و سال و بزرگ‌تر از خود را در کنار خود می‌بیند و نخستین بار برای او این فرصت پیش می‌آید که عملاً بتواند به میل خود دوستان و هم‌بازی‌هایش را از میان این گروه متشکل از کودکان انتخاب کند. گاهی این انتخاب موردپسند پدر و مادر واقع می‌شود و گاه نیز پدر و مادر از معاشرت کودک خود با کسانی که او به عنوان دوست و هم‌بازی انتخاب کرده است، ناراضی‌اند و رفت‌وآمد با آن‌ها را برای کودک خود مناسب نمی‌دانند. باید به این نکته توجه

داشت که آن‌چه برای کودک در انتخاب دوست و هم‌بازی حائز اهمیت است، غالباً بر دلایل و اصولی که پدر و مادر به آن توجه ندارند، منطبق نیست. اما کودک از پدر و مادرش انتظار دارد که او را در حق طبیعی خود برای انتخاب دوست و هم‌بازی آزاد بگذارند؛ به او اعتماد و اطمینان داشته باشند؛ به او حق بدهند که به میل خود دوست و هم‌بازی‌اش را انتخاب کند؛ و سرانجام انتخاب او را بپذیرند.

کودک و قراردادهای اجتماعی

کودک در نخستین مراحل زندگی خود به تعصبات و ارزش‌ها و قراردادهایی که بزرگ‌ترها برای زندگی اجتماعی وضع کرده‌اند، آگاهی و توجهی ندارد. قضاوت و تمیز و تشخیص خوب و بد رفتار و گفتار دیگران را فقط از راه تجربه و تلقینات بزرگ‌ترها می‌آموزد. به همین لحاظ، وقتی که کودکی برای خود از بین هم‌سالانش دوست و هم‌بازی انتخاب می‌کند، برایش مسائل تفاوت نژاد، مذهب، ملیت، محیط و شرایط زندگی خانوادگی، و دیگر مسائلی که ما بزرگ‌ترها از لحاظ معاشرت خود با دیگران به آن‌ها توجه داریم، مطرح نیست و هرگز به آن‌ها نمی‌اندیشد. او بر طبق دل‌خواه و سلیقه‌ی خویش، کودک یا کودکانی را که مورد علاقه‌اش واقع شده‌اند، انتخاب می‌کند و با آن‌ها دوست و هم‌بازی می‌شود. برای او بسیار ناراحت‌کننده خواهد بود که پدر و مادرش این انتخاب را به دلایلی که برای او هیچ معنی و مفهومی ندارد، نپسندند و او را از معاشرت با کسانی که او انتخاب کرده است، باز دارند.

عکس‌العمل‌های نادرستی که اغلب پدران و مادران در این قبیل موارد برای بازداشتن کودکان خود از معاشرت با دوستان و هم‌بازی‌های مورد علاقه‌ی ایشان از خود نشان می‌دهند، موجب پایه‌گذاری تعصبات ناپسند اجتماعی می‌شوند و مسائل و مشکلاتی را در زندگی اجتماعی آینده‌ی آنان به‌وجود می‌آورد. باید دانست که معمولاً کودکان در سنین پنج تا هفت سالگی، خیلی زود دوست و هم‌بازی پیدا می‌کنند و خیلی زود هم آن‌ها را عوض می‌کنند. توجه به این اصل کلی، فرصت مطلوبی برای پدران و مادران است که اگر معاشرت فرزندشان را با بعضی از کودکان مناسب نمی‌دانند، از راهی منطقی و مؤثر که به روحیه‌ی دوست‌یابی کودک صدمه نزند و دلایل ارائه شده برای او قابل قبول باشد، به چاره‌جویی بپردازند. می‌توان از کودک خواست که دوستان و هم‌بازی‌هایش را با اجازه و موافقت پدران و مادران آن‌ها به خانه دعوت کند. خوش‌رویی پدر و مادر در رفتار با دوستان و هم‌بازی‌های کودک، موجب جلب اعتماد و رضایت خاطر او را فراهم می‌کند. پدر و مادر به آسانی می‌توانند غیر مستقیم و بدون دخالت کردن در بازی‌ها و فعالیت‌های کودکان، رفتار و بازی‌های آنان را زیر نظر بگیرند، و به بهانه‌های مختلف که مورد قبول کودکان باشد، آنان را از ادامه‌ی بازی مضر یا رفتار یا گفتاری که زیان‌بخش تشخیص می‌دهند، بازدارند. بهترین بهانه‌ی بازداشتن آن‌ها در این قبیل موارد، دعوت کردن کودکان به خوردن چیزی، یا سرگرم کردن آنان به بازی تازه‌ای است.

هنگامی که کودک در خانه وقت خود را با دوستان و هم‌بازی‌هایش می‌گذرانند، بهترین فرصت برای پدر و مادر پیش می‌آید که غیر مستقیم درباره‌ی رفتار و گفتار و شخصیت



سکینه احمدی

(۱۳۴۱)

آموزگار فعال، نیکوکار و تأثیرگذار. همدان

در آموزش و پرورش همدان شاغل است. مقید به نظم و رعایت حقوق دانش‌آموزان و همکاران است و به‌خاطر همین ویژگی‌ها مورد توجه و علاقه‌ی دیگران قرار دارد.

وی توجه ویژه‌ای نیز به دانش‌آموزان بی‌ضاعت دارد، و نسبت به تأمین اجاره‌ی مسکن این‌گونه دانش‌آموزان، به‌طور ویژه فعالیت می‌کند.



کودکان مورد انتخاب فرزندشان دقت کنند و اگر بعضی از آنها را شایسته‌ی دوستی با فرزند خود نمی‌دانند، در فرصت‌های لازم، در این باره با مهربانی با کودک خود صحبت کنند. باید توجه داشت که این گفت‌وگو هرگز نباید در حضور کودکان دیگر، حتی برادر یا خواهر او باشد.

دخترها، پسرها

در سنین شش تا هشت سالگی به نظر می‌آید که کودکان بیشتر دوستان و هم‌بازی‌های خود را از میان کودکان جنس مخالف انتخاب می‌کنند. در سنین هشت تا نه سالگی است که بیشتر تمایل پیدا می‌کنند به سوی کودکانی که هم‌جنس آنها هستند، روی آورند. و شعار «دخترها با دخترها» و «پسرها با پسرها» اساس تمایلات دوست‌یابی کودکان قرار می‌گیرد. برای یک مربی هوشیار، این نکته درخور توجه است که اگر پسری در این سن با دختری دوست و هم‌بازی می‌شود، نباید تصور کرد که خوی و خصلت دخترانه دارد. هم‌چنین، دختری که بیشتر متمایل به دوست و هم‌بازی شدن با پسران است، به داشتن خوی و خصلت پسرانه محکوم شود.

گرایش به گروه هم‌سن

در سال‌های آخر دبستان، کودکان به تدریج به جای انتخاب دوست یا هم‌بازی، تمایل پیدا می‌کنند که به گروهی از کودکان موافق طبع و میل خویش بپیوندند و با جمع کودکان معاشرت داشته باشند. از این زمان است که به تدریج موضوع گروه‌های خاص کودکان، یا به اصطلاح معمول «بچه محل‌ها» پیش می‌آید، و دیگر مانند گذشته رفاقت‌های دونفری علاقه‌های کودک را ارضا نمی‌کند. اگر به این گروه‌ها یا «بچه محل‌ها» دقیق شویم، می‌بینیم که بیشتر اعضای گروه مثل هم لباس می‌پوشند، به زبان خاص یکدیگر صحبت می‌کنند، و سعی می‌کنند که از هر لحاظ شبیه هم باشند. هدف‌ها و برنامه‌هایشان در بازی‌ها و معاشرت‌ها و گاهی شیطنت‌ها و حتی جرایم نوجوانی و خراب‌کاری، مشترک است. گروه‌ها و «بچه محل‌ها» برای خود سازمان و تشکیلات و قوانین و مقرراتی دارند. سردسته و رهبری برای خود برگزیده‌اند و همه تابع دستور او هستند. اغلب دستورهای گروه، خاصه سردسته و رهبر گروه، مؤثرتر و پذیرفتنی‌تر از دستورهای پدر و مادر است.

باید توجه داشت که بسیاری از این گروه‌ها و بچه‌محل‌ها جامعه‌های کوچک و مفید و مؤثری هستند که در مجرب کردن کودکان در زندگانی اجتماعی، فایده‌های غیرقابل انکاری دارند، ولی گاهی هم کارهای بعضی از این گروه‌ها و بچه‌محل‌ها بر خلاف میل و انتظار پدران و مادران است و جامعه نمی‌تواند مزاحمت‌های آنان را نادیده بگیرد و تحمل کند.

شک نیست که یکی از راه‌های رشد کردن کودک و اجتماعی بارآمدن او، پیوستن به این گروه‌هاست. کودک نیاز دارد که گاه‌گاه از محیط خانه‌ی خود دور شود و با جمع هم‌سالان خود رفاقت و صمیمیت داشته باشد و هدف‌ها و برنامه‌های مشترک گروه را دنبال کند. او از این راه زندگی کردن با دیگران را می‌آموزد. این تجربه‌ها او را آماده می‌کند که در آینده بتواند مستقل زندگی کند و مشکلات خود را با کمک دیگران و هم‌فکری با آنان برطرف کند. همه‌ی گروه‌هایی که بچه‌ها

تشکیل می‌دهند، مضر نیستند. انجمن‌های مدرسه، گروه‌های ورزشی، گروه‌های هنری، دسته‌های پیشاهنگی و بسیاری از گروه‌های «بچه محل‌ها»، اگر با نظارت مربی و پدر و مادر، حتی به‌طور غیرمستقیم باشد، در پرورش استعدادها و اجتماعی‌بار آوردن کودکان اثرهای مفید تربیتی دارد. نقش اساسی پدر و مادر و معلم در این مورد، بیشتر باید درحول این محور تمایل کودکان دور بزند. مربیان باید موجبات و امکانات لازم را فراهم کنند تا کودکان گرد هم جمع شوند و گروه‌های مفیدی تشکیل دهند و از مراقبت‌های مداوم و عاقلانه‌ی مربیان برخوردار شوند. قضاوت‌ها و تجارب کودکان در این سنین محدود است و اگر درست راهنمایی شوند، هم از فایده‌های معاشرت‌های گروهی و فعالیت‌های مفید آن برخوردار می‌شوند و هم از دست زدن به جرایم نوجوانی و خراب‌کاری و ایجاد مزاحمت برای دیگران می‌پرهیزند. پوشیدن لباس‌های نامرتب، رفتارها و گفتارهای زشت کودکان و نوجوانان برای بزرگ‌ترها ناراحت‌کننده است، ولی آن‌قدر جدی نیست که نتوان با مراقبت و گفت‌وگوها و راهنمایی‌های صحیح، آن‌ها را برطرف کرد، و معمولاً این دوره به‌زودی سپری می‌شود.

قدرت گروه

وقتی کودک به عضویت گروهی درمی‌آید، به آسانی زیر نفوذ هم‌گروهان خود قرار می‌گیرد. گاهی افراد گروه برای این که وانمود کنند بزرگ‌تر و قوی‌تر از آن هستند که بزرگ‌ترها درباره‌ی آن‌ها قضاوت می‌کنند، دست به کارهای ناشایستی می‌زنند و گاه خود و خانواده‌ی خویش را به زحمت می‌اندازند. دزدی کردن، ایجاد زحمت برای دیگران، حتی قمار بازی کردن و سیگار کشیدن، فرار دسته‌جمعی از مدرسه و بسیاری از کارهای ناشایست دیگر، محصول کار گروه‌هایی است که مربیان از نظارت در کار آن‌ها غفلت کرده‌اند و حوصله و کوشش لازم را برای راهنمایی فرزندان خویش به کار نبرده‌اند. باید به این نکته نیز توجه داشت که به‌طور کلی قدرت گروه، باعث این رفتارهای ناشایست می‌شود و وقتی کودکی از اعضای همین گروه تنها می‌شود، هرگز در خودش این قدرت را نمی‌بیند کارهایی را که با کمک دیگران انجام می‌داده است، تکرار کند. بعضی از پدران و مادران و مربیان تصور می‌کنند که دست زدن به این حرکات ناشایست، فقط خاص گروه‌هایی از کودکان است که از خانواده‌های فقیر و محلات پرجمعیت و مخروبه‌ی شهر برخاسته‌اند، اما بررسی آمار جرایم نوجوانان نشان می‌دهد، چه‌بسیارند کودکانی که از خانواده‌هایی مرفه و پای‌بند به قوانین، مقررات و رفتارهای صحیح اجتماعی در این زمره قرار گرفته‌اند.

قدرت رسانه‌ها

بعضی از علل این گونه رفتارها را پدران و مادران نمی‌توانند برطرف کنند. بسیاری از فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های سرگرم‌کننده و تجاری تلویزیونی‌ها و داستان‌ها و حوادثی که مورد بحث مطبوعات است، غالباً کودک را به دعوا و زدو خورد و دزدی و قانون‌شکنی سوق می‌دهد. حتی پدران و مادرانی که برای فرزند خود با دقت بسیار فیلم و کتاب و مجله‌ای مناسب را انتخاب می‌کنند، نباید مطمئن باشند که کودکان را از آگاهی به



همان گونه که
همانان و دوستان
و آشنایان ما
برای ما عزیزند
و مورد احترام و
پذیرایی ما قرار
می گیرند، باید
دوستان و
هم بازی های
کودکان ما نیز
در خانه از این
رفتار محبت آمیز
بر خوردار شوند

کنیم که از این راه سخاوت و بخشندگی را به او آموخته ایم. اگر کودک علت لزوم این بخشندگی را نداند، از این راه سخاوت را یاد نمی گیرد، بلکه در او این فکر قوت می گیرد که همه، حتی پدر و مادر او می خواهند که هر چه را متعلق به اوست، از او بگیرند. اقدام به این کار او را بدگمان و مردد بار می آورد و حتی میل به سخی بودن را در او ضعیف می کند.

• عضو یک گروه بودن، هدف و آرزوی بسیاری از کودکان است. کودک از این راه اضافه برآن چه گفتیم، سازگار شدن با دیگران را یاد می گیرد و از حالت بچگانه داشتن خارج می شود. یاد می گیرد که سختی ها را بدون گریه کردن و اشک ریختن تحمل کند. انصاف و غرور و افتخار و تحمل پیروزی و شکست را می آموزد. یاد می گیرد که از موفقیت گروهی که خود به آن تعلق دارد، بیشتر از موفقیت فردی لذت ببرد. باید به کودک اجازه بدهیم و برایش فرصت هایی فراهم کنیم تا در گروه های مفید مدرسه و انجمن های کودکان که زیر نظر مربیان پر تجربه اداره می شوند، عضو شود. حتی در همان محله ای که زندگی می کنیم، می توانیم با کمک و مشورت با همسایگان، یک گروه والیبالی از بچه های محله ای خودمان تشکیل بدهیم.

• همان گونه که در مورد معاشران کودک خود مطالعه می کنیم، از اثری که کودک ما در کودکان دیگر می گذارد، نباید غفلت کنیم. چه بسا ممکن است کودکان دیگر شرارت ها و زورگویی ها را از کودک ما بیاموزند. در این قبیل موارد، کودک ما نیاز دارد با کسانی معاشر باشد که قدرت زورگویی به آنان را نداشته باشد.

• اگر می بینید کودک شما به صورت نامطلوبی دائماً تحت تأثیر کودکان بزرگتر و قوی تر از خود قرار می گیرد، بهتر است او را راهنمایی کنید و غیرمستقیم وسایلی برانگیزید تا او با کودکانی که هم سن و هم قوه و هم قد او باشند، دوست و هم بازی شود.

• در بازی ها و فعالیت های کودکان همیشه ناظر و حاضر نباشید. کودکان خودشان بهتر باهم کنار می آیند و مشکلات و نزاع هایشان را برطرف می کنند. باید به کودک این امکان را بدهیم که بتواند خودش از خودش مواظبت و دفاع کند. اما هنگامی که می بینید او در شرایطی قرار می گیرد که ممکن است صدمه ای به او وارد آید، دخالت مستقیم شما لازم است.

• کودکان به همان میزان که نیاز دارند با کودکان دیگر هم بازی شوند، نیاز دارند گاهی هم به تنهایی اوقات بیکاری خود را بگذرانند. باید وسایلی و امکاناتی برای کودک خود فراهم کنیم تا فعالیت و نیروی خود را در ساعات بیکاری به کارهای مفید از قبیل یادگرفتن موسیقی، هنرهای دستی، جمع آوری تمبر و سکه و کارت پستال و عکس حیوانات و.... صرف کنند.

• با پدران و مادران دوستان و هم بازی های کودک خود معاشرت داشته باشیم و مشکلات و مسائل کودکان را با آنان در میان بگذاریم و مشترکاً به چاره جویی بپردازیم. شرکت در جلسات انجمن های همکاری خانه و مدرسه و جلسات همسایگان، برای این منظور، فرصت های بسیار مناسبی است.

*کارشناس تربیتی

این مسائل دور نگه داشته اند. کودکان این رفتارها را از معاشرت با یکدیگر یاد می گیرند، و از دیده ها و شنیده های همسالان خود آگاه می شوند. بسیاری از داستان های ممنوع شده برای کودکان، در مدرسه پنهانی دست به دست بین آنها می گردد و همه ی کودکان آنها را می خوانند. گاهی نیز زشتکاری ها و قانون شکنی های بعضی از بزرگترها، عامل مؤثری در تشویق کودکان به کارهای ناشایست است.

پیشنهادها

آنچه در کمک کردن به کودکان در دوست یافتن و هم بازی داشتن و حل بعضی از مشکلات، از عهده ی مربی برمی آید، گفته شد. نظارت مستقیم و پی گیری مربیان در گذراندن ساعات بیکاری کودکان، از اهم وظایف مربیان در این مورد است. تکرار بعضی از آنچه قبلاً گفته شد و توجه به پیشنهاد های زیر نیز در این باره خالی از فایده نیست:

• کودک باید عملاً احساس کند که او را دوست می داریم. دوستی متقابل کودک و مربی، عامل مؤثری در باز داشتن کودک از دست زدن به کارهایی است که مورد پسند پدر، مادر و معلم نیست.

• به کودک حق بدهیم دوستانش را خودش انتخاب کند.
• به کودک حق بدهیم دوستانش را پس از کسب اجازه و موافقت پدران و مادران آنها، به خانه بیاورد.

• خوش رویی و مهربانی ما با دوستان و هم بازی های فرزندان، موجب جلب اعتماد و رضایت خاطر او را فراهم خواهد کرد.

• همان گونه که مهمانان و دوستان و آشنایان ما برای ما عزیزند و مورد احترام و پذیرایی ما قرار می گیرند، باید دوستان و هم بازی های کودکان ما نیز در خانه از این رفتار محبت آمیز برخوردار شوند.

• در خانه محلی برای بازی کودکان با دوستان و هم بازی هایشان اختصاص بدهیم تا گاه گاه بتوانیم به بهانه هایی از حرکات و رفتارهای آنان با خبر شویم، و آنان نیز، حضور ما را در جمع خویش طبیعی تلقی کنند و این تصور برایشان پیش نیاید که به آنها اطمینان و اعتماد نداریم.

• رفتار و گفتار و شخصیت کودکانی را که دوست و همبازی کودک ما هستند، باید غیرمستقیم مورد مطالعه و قضاوت قرار دهیم.

• راهنمایی ها و اظهار نظرهای ما درباره ی رفتار و شخصیت دوستان و هم بازی های فرزندان، همواره به طور مستقیم با او در میان گذاشته شود. دلایل ما در این اظهار نظرها برای او مستدل و قانع کننده باشد و گفتارمان با مهربانی و دور از انظار دیگران توأم باشد.

• گاه گاه به زبانی ساده و درخور فهم کودکان و در هنگامی که آمادگی برای شنیدن و فهمیدن دارند، نکته هایی درباره ی امور جنسی بدون ایجاد پیچیدگی و وحشت به آنان بگوییم. اگر این مسائل را ناگفته بگذاریم و فرصت های مطلوب را از دست بدهیم، کودکان این قبیل اطلاعات را از معاشران کم تجربه و گاه منحرف خود یاد خواهند گرفت و چه بسا که مصائب و مشکلاتی برایشان پیش بیاید.

• اگر کودکی دوست ندارد اسباب بازی هایش را به کودک دیگری ببخشد، نباید به زور او را وادار به این کار کنیم و تصور